

سیری در نگرش‌شناسی و آثار تاریخ معاصر اسلام‌گرایان و ملی‌گرایان

یعقوب توکلی
محقق و پژوهشگر تاریخ معاصر

چکیده:

بحث ما در بررسی مقوله نگرش‌شناسی تاریخی به این فرضیه بر می‌گردد که هیچ مورخ و یا گوینده‌ای در بیان حوادث تاریخی بی طرف نیست. در اینکه مورخ باید بی طرف باشد به لحاظ نظری حرف درستی است، ولی به لحاظ عملی غالباً مورخان دارای موضع هستند و بی طرفی مورخ کمتر پذیرفتنی است. بنابراین لازم است، گرایش‌های نویسندگان تاریخ معاصر بازکاوی و بازشناسی گردد. بر این اساس، باور داریم که هریک از جریان‌های تاریخ نگاری معاصر ایران دارای مختصات و ویژگی‌های خاص و متمایز می‌باشد که در این شماره ضمن معرفی برخی از آثار، به مشخه‌های نگرش تاریخ نگاری اسلام‌گرایان و ملی‌گرایان پرداخته می‌شود.

کلید واژه: تاریخ نگاری. اسلام‌گرایی. انقلاب اسلامی. ملی‌گرایی

مقدمه:

باور ما آن است که پدیده‌های تاریخی و سیاسی از منظر هر نویسنده با عقاید ویژه او تجزیه و تحلیل می‌شود و یکسان دیدن منظرهای نویسندگان خیلی مطابق با واقع نیست. این درست که بزرگان تاریخ نگاری و اساتید علم تاریخ تأکید می‌کنند که مورخ باید بی‌طرف باشد و آن یک ضرورت در امر تاریخ نگاری است، اما همیشه هم طرفیت بر آن معنا نیست که بیان خلاف واقعی صورت گیرد. همان‌طور که در شماره گذشته آورده‌ایم، اسلام‌گرایان یکی از گروه‌های اصلی تاریخ نگاری دوره معاصر هستند؛ طیفی که توانستند با اتکا به نیروی گسترده مردمی و رهبری مرجعیت شیعی حاکمیت پهلوی را سرنگون سازند و قدرت و ساختار جدیدی را در ایران سازماندهی نمایند. بنابراین تلاش برای احیاء اسلام، با اتکاء به رهبری روحانیت و براساس اصول و باورهای دینی و اعتقاد به دینی بودن مبارزه و شهادت در راه خدا از ویژگی‌های این جریان فکری است.

ویژگی‌های گروه اسلام‌گرا

آثار اسلام‌گرا بر چند امر تأکید دارند و نقطه مشترک بین این آثار است که شامل موارد زیر می‌شوند:

اول: اسلام به‌عنوان راه حل مبارزه

اسلام به‌عنوان راه‌حل مبارزه مورد توجه اسلام‌گرایان است و آنان اسلام را به‌عنوان دستورالعملی می‌دانند که می‌توان با استفاده از آن از استبداد سلطنتی رهایی یافت و راه مبارزه را می‌توان از این طریق تشخیص داد و به نتیجه رسید. ضمن آنکه مبارزه با استعمار خارجی نیز از باب نفی سبیل و سلطه کفار و دشمنان اسلام قابل فهم است و به همین خاطر مبارزه با آنان جهاد و مرگ در راه آن شهادت است و در این امر بین اسلام‌گرایان با ملی‌گرایان و چپ‌گرایان تفاوت اساسی وجود دارد.

دوم: رهبری مرجعیت و روحانیت

بحث رهبری روحانیت در متون مربوط به تاریخ‌نگاری اسلام‌گرایان، اصلی اساسی و مهم است. در واقع پیشگام این امر سید حمید روحانی می‌باشد و او اولین کسی است که همراه امام در نجف حضور داشته و کتاب بررسی و تحلیلی بر نهضت امام خمینی را در سال ۱۳۵۶ به چاپ رسانده است. ممکن است بعضی از دوستان بگویند در کتاب ایشان تندروی‌هایی وجود دارد و این موضوع واقعیت دارد که آن هم معلول زمان و وقوع در جریان مبارزه است. دیگران هم از همه جناح‌ها و طیف‌ها تقریباً به همین صورت عمل نموده‌اند. متونی که توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر و دفتر ادبیات انقلاب اسلامی چاپ شده، اعم از خاطرات، تحقیقات و پژوهش و حتی

اسنادی که مرکز بررسی اسناد وزارت اطلاعات یا مؤسسه مطالعات پژوهشی - سیاسی چاپ شده است، به هر کدام که مراجعه کنیم درمی یابیم، بحث هدایت و رهبری حضرت امام در این آثار مورد توجه جدی قرار گرفته است.

سوم: استبداد و استعمار ستیزی

نکته دیگری که در این دسته از آثار مورد توجه است مبارزه با بیگانگان در کنار مبارزه با استبداد داخلی است. این گونه آثار در بحث مبارزه با استکبار به کشور سلطه گر آمریکا بسیار توجه کرده اند. بر عکس ملی گراها که در آثارشان فقط به مسئله استبداد داخلی پرداخته اند و این نکته که استبداد داخلی و استعمار خارجی هر دو در واقع دو روی یک سکه و پشتیبان یکدیگر هستند، به نوعی از ویژگی های آثار اسلام گرایان است.

چهارم: اسلام به عنوان راه حل اداره کشور

اسلام گرایان علاوه بر اینکه به اسلام به عنوان راه حل مبارزه با جهل و استبداد و سلطه بیگانگان توجه می کنند، از آن به عنوان راه حل اداره کشور نیز یاد می نمایند و اسلام و حاکمیت اسلامی را به عنوان آخرین راه حل در آثارشان معرفی می کنند و به دنبال بحث تشکیل حکومت اسلامی بودند و از این روی همه شکنجه ها و آزارها را برای رسیدن به این هدف تحمل کردند.

پنجم: مردم گرایی عمومی

اسلام گرایان در زمان مبارزه سیاسی براساس راهبرد مبارزاتی امام خمینی به مردم گرایی عمومی اعتقاد داشتند؛ یعنی مبارزه باید توسط عموم مردم پی گرفته شود و چنانچه اقلیت خاصی بخواهند به صورت پیشگام و بدون حضور مردم وارد مبارزه شوند جز تلف کردن وقت و خون و جان خویش، نتیجه ای نخواهند گرفت. همین نگرش نیز در ادبیات تاریخی اسلام گرایان مشاهده می شود و بیش از آنکه بر عده ای خاص از مبارزان نظیر؛ رهبران و نخبگان احزاب و یا دانشجویان چریک و سازمان دهی شده تأکید نمایند بر میزان تجمع مردمی و حضور در مساجد و مراسم دینی و مذهبی تأکید دارند، به همین خاطر تاریخ نگاری اسلام گرایان در این دوره، تاریخ نگاری اشرافی و شخصیت های نخبه به معنای اقتصادی و سیاسی مصطلح روز نمی باشد و بیشتر بر عموم مردم و حضور آنان در مساجد توجه دارند.

ششم: مسجد محوری

جنبش ها و خیزش های مبارزاتی اسلام گرایان بیش از هر جایی در مساجد و حسینیه ها و مجالس روضه شکل می گرفته است. به همین خاطر اغلب گزارشات تاریخی اسلام گرایان در مساجد، مدارس علمیه، حسینیه ها و محافل مذهبی و یا در بازار صورت می گیرد.

مهم ترین آثاری که در مجموعه منابع تاریخ معاصر که از آنها می توان نام برد آثار زیر است:

۱. ولایت فقیه

کتاب ولایت فقیه مجموعه سیزده سخنرانی است که امام خمینی (ره) در فاصله ۱۳۴۸/۱۱/۱ تا ۱۳۴۸/۱۱/۲۰ در ایام اقامت در نجف اشرف ایراد فرموده‌اند. این سخنرانی‌ها در همان ایام به صورت‌های مختلف، تکثیر و منتشر شده است و در پاییز ۱۳۴۹ نخستین بار توسط یاران امام در بیروت به چاپ رسید و به صورت پنهانی به ایران فرستاده شد. این کتاب قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در سال ۱۳۵۶ در ایران به نام «نامه‌ای از امام موسوی کاشف الغطاء» به ضمیمه «جهاد اکبر» چاپ شده است.

نظر امام در این کتاب این است که فقها در باب ولایت فقیه معمولاً به تناسب مورد، در باب‌های مختلف فقه بحث‌های کوتاهی کرده‌اند که دلیل آن را می‌بایست در شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم در دوره هر فقیهی، جست و جو کرد. براساس منابع موجود، مرحوم احمد نراقی از علمای عصر قاجار در کتاب «عوائد الایام» بیشتر از سایرین به این موضوع پرداخته است. وی با تمسک به روایات، ثابت کرده است که در عصر غیبت، فقیه در دو چیز حق ولایت دارد:

۱. در همه اموری که پیامبر صلی‌الله علیه و آله و ائمه‌علیهم السلام در آنها صاحب اختیار بوده و ولایت داشته‌اند. مگر این که مواردی به دلیل شرعی استثنا شود.

۲. در همه اموری که با دین و دنیای بندگان خدا ارتباط دارد و باید انجام شود.

وی در ادامه به ده مورد از ولایت فقها، همچون افتا، اجرای حدود، حفظ اموال یتیمان و... توجه خاص نموده و به تفصیل بحث کرده است و به دلیل اینکه از مطالب اولیه برمی‌آید که او ولایت فقیه را شامل امر حکومت نیز می‌دانسته است؛ دیگر بر آن تصریح و تأکید نمی‌کند.

پس از مرحوم نراقی، امام (ره) تنها فقیهی است که علاوه بر مباحث گذشته، ولایت فقیه را در تصدی امر حکومت با همان معنای جامع، برای اولین بار به روشنی به بحث می‌گذارد. چنان که اشاره شد، وی مبحث ولایت فقیه را به صورت شفاهی در طی سیزده جلسه در نجف اشرف تدریس نموده و بار دیگر آن را در جلد دوم کتاب البیع تقریباً با همان سبک نوشته‌اند.

امام خمینی (ره) در کتاب ولایت فقیه با عنایت بسیار، اصل ولایت به خصوص ولایت در امر حکومت و جنبه‌های سیاسی آن را مورد بررسی قرار داده‌اند و در این باب علاوه بر تبیین عوامل سیاسی و اجتماعی در بی‌اعتنایی به چنین موضوع مهم اسلامی، به برنامه‌ریزی عملی برای تحقق ولایت فقیه در امر حکومت، با طرح و ارائه راه‌های مشخص و قابل عمل نیز توجه داشته‌اند.

ایشان در این کتاب ابتدا با اشاره به نقشه‌های دشمنان، به شبهاتی از قبیل اینکه: اسلام در عصر تمدن قادر نیست جامعه را اداره کند و یا موازین حقوقی آن برای حل مشکلات جامعه ناتوان است،

پاسخ می‌دهند و در همین رابطه اشاره می‌کنند که القائنات دشمنان در حوزه‌های علمیه اثر گذاشته است؛ به طوری که اگر کسی بخواهد درباره حکومت اسلامی سخن بگوید باید تقيه کند. امام (ره) در ادامه، در پاسخ به این سؤال که آیا تعیین خلیفه بعد از رحلت رسول صلی الله علیه و آله، برای بیان احکام است؟ می‌فرماید: بیان احکام که خلیفه نمی‌خواهد، خلیفه برای حکومت است. در مهم این است که ما به ضرورت تشکیل حکومت اسلامی معتقد شویم و در این صورت است که جایگاه خلیفه روشن می‌شود. حضرت امام موارد ذیل را به عنوان دلایل ضرورت تشکیل حکومت اسلامی ذکر می‌کنند:

۱. عمل پیامبر (ص) در تشکیل حکومت؛

۲. ضرورت استمرار اجرای احکام الهی که فقط در زمان پیامبر (ص) ضرورت ندارد، بلکه برای همیشه است؛

۳. ماهیت و کیفیت قوانین اسلام، بدون حکومت قابل اجرا نیست؛ مثل احکام مالی، دفاع ملی و...

امام (ره) در ادامه، با سابقه تاریخی انحراف از این اصل، که به عصر بنی امیه باز می‌گردد و از دوران بنی عباس تاکنون ادامه دارد، اشاره نموده و تأکید می‌کنند که عقل و شرع بر ضرورت یک «انقلاب سیاسی» حکم می‌کنند.

بخش مهمی از این کتاب به بیان فرق حکومت اسلامی با سایر حکومت‌ها اختصاص یافته است و به این نکته اشاره شده است که حکومت اسلامی نوع خاصی از حکومت مشروطه است؛ یعنی مشروطه به قوانین اسلام.

ولایت فقیه در عصر غیبت، موضوع بعدی کتاب است. ایشان می‌فرمایند: اکنون که دوران غیبت است و از طرفی بناست احکام اسلامی اجرا شود و از سوی دیگر از طرف خدای متعال کسی برای اجرای احکام تعیین نشده است، تکلیف چیست؟ دوران علوم انسانی سرانجام پس از بررسی این موضوع چنین نتیجه می‌گیرند که فقیه جامع الشرایط در عصر غیبت عهده دار امر حکومت است.

بخش پایانی کتاب به ضرورت برنامه ریزی مبارزه طولانی، برای رسیدن به این هدف الهی اختصاص یافته است. لزوم پرداختن به امور آموزشی و تبلیغاتی، اصلاح حوزه‌ها، از بین بردن آثار فکری و اخلاقی استعماری، اصلاح مقدس‌نماها، تصفیه حوزه و طرد آخوندهای درباری و اقدامات عملی برای براندازی حکومت جابر، از جمله مسائلی است که در قسمت نهایی کتاب مطرح شده است.

۲. بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی جلد^(۱)

مؤلف این کتاب آقای حمید روحانی، بحث خود را با زندگی‌نامه امام خمینی (ره) آغاز کرده است. بیان سرگذشت کودکی، دوران تحصیل و مرجعیت، مباحث عمده این بخش را تشکیل می‌دهند. زندگی مبارزاتی امام خمینی (ره) با نگارش «کشف الاسرار» که در رد جزوه اسرار هزار ساله، حکمی زاده و نوشته‌های کسروی و سنگلجی می‌باشد، به طور مشخص آغاز می‌شود. نویسنده با آوردن فرازهایی از «کشف الاسرار» به خوبی این مطلب را نشان داده است. با فوت آیت‌الله بروجردی و کاشانی در سال ۱۳۴۰، حضرت امام (ره) حرکت مبارزاتی خویش را به صورت فراگیر و همه جانبه و از موضع یک مرجع بیدار آغاز می‌کند، نویسنده می‌کوشد تا تمامی وقایع مربوط به نهضت اسلامی و بیدارگرایانه مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره) را، از شروع این نهضت در سال ۱۳۴۱ تا پایان و توأم با پیروزی آن در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، به طور تفصیلی بازگو کند. آنچه در جلد اول این اثر آمده است، تنها تا پایان سال ۱۳۴۵ را شامل می‌شود.

در یک جمع بندی کلی می‌توان گفت، اهم مطالبی که در جلد اول آمده است و در جلدهای بعدی نیز تا حدی ادامه دارد، از قرار زیر است:

اول: اقداماتی که از سوی رژیم پهلوی صورت گرفته است. این اقدامات که معمولاً با دستور مستقیم دولت آمریکا و یا حمایت آن کشور صورت می‌گرفت، عمدتاً هدف و جنبه اسلام زدایی داشته است. نظیر انقلاب سفید شاه و طرح مسائلی از قبیل لوایح ششگانه، لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و... و در نهایت فاجعه فیضیه، دستگیری و زندانی کردن امام خمینی (ره)، کشتار مردم در ۱۵ خرداد به جرم دفاع از اسلام و در اعتراض به دستگیری امام (ره)، احیای کاپیتولاسیون، تبعید امام در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ به ترکیه و یک سال پس از آن به عراق و مقابله با حوزه علمیه و ارزش‌های اسلامی و...

دوم: اقداماتی که از سوی مراجع تقلید، به ویژه شخص حضرت امام (ره) و در مرتبه بعد، از سوی سایر علما و حوزه‌های علمیه شهرستان‌های مختلف و حوزه‌های علمیه خارج از کشور به ویژه نجف اشرف صورت گرفته است: نظیر سخنرانی‌ها و افشاگری‌های حضرت امام (ره) در مواقع مختلف، نامه‌هایی که به زمامداران حکومت شاه نوشته‌اند، تلگراف‌ها و خطابه‌ها و نامه‌هایی که سایر علما و حوزه‌ها در تأیید حرکت حضرت امام (ره) داشته‌اند. به ویژه تأیید و اقدام جمع زیادی از علما در ترویج مرجعیت عامه حضرت امام (ره) که رژیم شاه به شدت در صدد نفی آن بود و این که همه این اقدامات در جهت دفاع از اسلام به وقوع می‌پیوست.

سوم: اقداماتی که از سوی مردم به دفاع از نهضت اسلامی امام خمینی (ره) و علیه رژیم طاغوتی

پهلوی و اربابانش آمریکا و اسرائیل صورت گرفته است. از جمله راهپیمایی عظیم ۱۵ خرداد که منجر به شهادت جمع کثیری از آنان گردید که ماهیت این اقدامات هم دفاع از اسلام و امام بود.

چهارم: اقدامات گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی، چه آنها که از قبل تشکیلاتی داشتند و چه آنها که در نتیجه قیام حضرت امام (ره) تشکیلاتشان را راه انداختند و این اقدامات برخی جنبه ملی گرایانه و برخی چپ گرایانه داشت و اکثر آنها هم پیرو حضرت امام (ره) بودند و جنبه اسلام گرایانه داشتند. تمامی مسائل فوق در فاصله سال‌های ۴۱ تا ۴۵ در این جلد از کتاب «نهضت امام خمینی» مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۳. بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی جلد (۲)

نویسنده در این جلد برای استدراک برخی از مطالب، به اندکی پیش از سال ۴۵ بازگشته و در واقع مطالب را از تبعید امام به ترکیه در ۱۳ آبان ۴۳ پی گرفته است. تیرهای عمده این جلد از این قرار است: نهضت اسلامی در تبعید، واکنش‌هایی که در داخل ایران علیه تبعید امام صورت گرفت، بازتاب جهانی تبعید امام خمینی (ره) و اقداماتی که در سطح بین‌المللی برای رفع تبعید از ایشان صورت گرفت، اقدام شاه در تغییر تبعید گاه امام از ترکیه به عراق، تبعید امام به عراق، فعالیت‌های امام در نجف اشرف، جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل و بررسی موضع‌گیری‌های امام، شاه و شریعتمداری در برابر این جریان، موضع‌گیری امام علیه شاه به خاطر حمایتش از اسرائیل، واکنش انتقام جویانه شاه، جشن تاج‌گذاری و پیامدهای آن، شهادت جهان پهلوان تختی، حوزه، دانشگاه و زندان، سنگرهای مقاومت، کشمکش‌های ابر قدرت‌ها به ویژه آمریکا و انگلیس در خلیج فارس و در نهایت خروج نیروهای انگلیسی از منطقه و اجرای سیاست دو ستونی به دستور آمریکا، بازتاب آتش زدن مسجد الاقصی در ایران، عراق و کنفرانس اسلامی، مبارزات دانشجویی، طرح حکومت اسلامی در سال ۱۳۴۸ از سوی حضرت امام (ره) در نجف اشرف، کنسرسیوم سرمایه‌گذاری در ایران و مخالفت روحانیون با آن، بررسی توطئه جهانی برای جلوگیری از مرجعیت جهانی حضرت امام (ره)، آیت الله سعیدی از قیام تا شهادت، تشدید شکنجه و فشار در مقابل اوج‌گیری مبارزه و مقاومت.

۴. بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی جلد (۳)

تز اصلی نویسنده در این جلد این است که تقریباً در صد سال گذشته تاریخ ایران دو جریان اصلی در ایران رویاروی هم قرار داشته‌اند.

۱. جریان منور الفکرها و غربزدگان؛ ۲. جریان مذهبی‌ها و غرب ستیزان

با توجه به این تقسیم بندی است که در نظر نویسنده هر حادثه‌ای که در تاریخ ایران اتفاق افتاده

است، عامل آن یا غرب زده‌ها، اعم از شاهان و درباریان و روشنفکران و بیگانگان بوده‌اند و یا اسلام خواهان.

از دید نویسنده، روشنفکران به دنبال اسلام منهای روحانیت هستند و از این شعار هدفی جز حذف دین اسلام از صحنه اجتماعی کشور ندارند. بر همین اساس، اقدامات و عملکرد روشنفکران در ایران چنین فهرست شده است: زیر سؤال بردن اصول دین، مسخره کردن مرجعیت و تقلید و امامت، باستان گرایی و رشد ناسیونالیسم، تحقیر اسلام در رمان‌ها، بزرگ جلوه دادن غرب، رواج اندیشه‌های غربی (اومانیسم، لیبرالیسم، سوسیالیسم و ناسیونالیسم) پایه گذاری مراکز فساد و جاسوس پروری، بهره گیری ناروا از نظام آموزشی جدید، رخنه در خیزش‌های اسلامی، سوء استفاده از لباس روحانیت برای رسیدن به اهدافشان همچون جمال اصفهانی معروف به سید جمال واعظ یحیی دولت آبادی، ناظم الاسلام کرمانی، ملک المتکلمین، تقی زاده، حاج سیاح و... که برخی بابتی مسلک نیز بوده‌اند. از دید نویسنده، توطئه اسلام زدایی از سوی شاه در راستای فعالیت روشنفکران صورت گرفته که اقداماتی چون تأسیس دارالتبلیغ و دارالترویج، سپاه دین یا دانش، اعزام طلاب به سربازی و تأسیس دانشگاه اسلامی در همین رهگذر بوده است. از دیگر مطالبی که در این جلد مورد بحث قرار گرفته است، ادعای فراماسونر بودن سید جمال الدین اسد آبادی است که با دلایل روشن و قاطع نویسنده، نادرستی آنها اثبات شده است.

نویسنده در ادامه تحت عنوان «خیزش‌های قهرآمیز» گروه‌ها و سازمان‌هایی همچون گروه جزنی، گروه پاک نژاد، جنبش مسلحانه انقلابی ایران (گروه سیاه‌کَل)، چریک‌های فدایی خلق و سازمان آزادی بخش ایران را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده است. همچنین در یک فصل مستقل با عنوان «امام و رسالت جهانی اسلام» رویارویی امام (ره) با رژیم بعث عراق به تصویر کشیده شده است.

۵. گزیده انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن

عباسعلی عمید زنجانی نویسنده این کتاب معتقد است، پیروزی انقلاب اسلامی یک پدیده بزرگ تاریخ معاصر ایران است که مانند همه پدیده‌های تاریخی، معلول یک سلسله علل و عواملی می‌باشد که در پیدایی آن به گونه‌ای مؤثر بوده‌اند. بخشی از این علل، به عناصر تشکیل دهنده انقلاب اسلامی مربوط می‌گردد که مؤلف در بخش اول کتاب، سعی کرده آنها را تحت عنوان «تئوری انقلاب اسلامی و شناخت ماهیت آن» مورد بحث و بررسی قرار دهد. وی در این زمینه می‌گوید: انقلاب اسلامی را باید به مفهومی گسترده‌تر و برتر از آنچه در تعریف انقلاب گفت می‌شود، مورد مطالعه قرار داد. زیرا در عین اینکه بسیاری از این تعریف‌ها منطبق بر انقلاب اسلامی است، ولی جامع و مانع

نیستند. آن‌گاه به تعریف سیاسی و جامعه‌شناختی انقلاب پرداخته و فرق بین انقلاب، کودتا و رفرم را بیان می‌کند. سپس تعریفی از انقلاب اسلامی، ارائه می‌کند:

انقلاب اسلامی، عبارت از دگرگونی بنیادی، در ساختار کلی جامعه و نظامی سیاسی آن، منطبق بر جهان بینی و موازین و ارزش‌های اسلامی و نظام امامت و براساس آگاهی و ایمان مردم و حرکت پیشگام متقیان و صالحان و قیام قهرآمیز توده‌های مردم است.

بخش دیگری از عوامل وقوع انقلاب اسلامی، به علل فاعلی باز می‌گردد که عبارتند از: عامل عقیده و ایمان، اسلامی بودن انقلاب، قدرت رهبری و نفوذ معنوی آن، نقش مساجد، حوزه‌ها و دانشگاه‌ها در بیداری مردم، قیام یکپارچه مردم، ایثار و شهادت مردم و پیشتاز بودن روحانیت مبارز. قسمتی از علل وقوع انقلاب اسلامی نیز، به انگیزه‌ها و آرمان‌های اسلامی مربوط می‌شود که نویسنده در بحث از ریشه‌های عقیدتی انقلاب اسلامی، به آنها اشاره کرده و می‌گوید:

کلیه عواملی که در زمینه انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد، در تحلیل نهایی به یک عامل اساسی باز می‌گردد و آن، عامل اعتقاد و ایمان توده‌های گسترده مردم است که به شکل‌های مختلف در ابعاد متفاوت متجلی می‌گردد. در حقیقت محور اصلی انقلاب اسلامی که ویژگی و شاخص عمده آن می‌باشد، همان مکتبی بودن آن است.

برخی از علل و عوامل نیز، به ریشه‌های تاریخی و زمینه‌های نسبتاً طولانی و به بستر تاریخی آن مربوط می‌شود و نویسنده در بخش جداگانه‌ای به نام «ریشه‌های تاریخی انقلاب اسلامی» از آنها سخن می‌گوید.

در این بخش نویسنده معتقد است که انقلاب اسلامی ایران ریشه در نهضت حسینی دارد. معنای این حرف آن است که درک ماهیت واقعی انقلاب اسلامی در گرو درک نهضت حسینی است و ادامه انقلاب اسلامی، بستگی به میزان فهم و برداشت ما از خط سرخ شهادت و قیام حسینی دارد.

در فصول بعدی این بخش، به نهضت‌ها و جنبش‌های اسلامی - ملی، از زمان خلفای بنی امیه تا پیروزی انقلاب اسلامی اشاره کرده است.

بعضی از علل و عوامل انقلاب اسلامی، از عناصر خارج از ماهیت انقلاب اسلامی است که به صورت یک سلسله واقعیت‌های عینی در پیدایی و یا شتاب زایی آن تأثیر نزدیک و قابل توجهی داشته‌اند. این عناصر در بخش چهارم کتاب مورد بررسی قرار گرفته است. مؤلف در این باره، چهار عامل را ذکر می‌کند که عبارتند از: سیاست مدرنیزه کردن کشور، ظهور قدرت جدید (قدرت منطقه‌ای ایران به خاطر افزایش قیمت نفت) اقتصاد نابسامان ایران و سیاست حقوق بشر کارتر.

مؤلف در نقد کلیه عوامل فوق می‌گوید: هر کدام از عوامل ذکر شده را می‌توان، در گوشه‌ای از روند انقلاب اسلامی مؤثر دانست، ولی هنگامی که بحث از علل و عوامل سقوط شاه یا پیروزی

انقلاب اسلامی مطرح می‌شود، کافی نیست؛ چرا که هریک از طرفداران عوامل فوق، دارای اغراض خاصی هستند. بنابراین نویسنده در نتیجه‌گیری خود، عامل دیگری برای انقلاب اسلامی ذکر می‌کند و می‌گوید: تنها عاملی که به عنوان علت اصلی و عامل درجه اول می‌توان از جریان انقلاب و از تولد تا پیروزی آن استنباط نمود، اعمال سیاست اسلام زدایی از سوی شاه بود.

شاه برای اسلام زدایی و تحکیم سلطنت خود، متوسل به اصلاحات ارضی و لوایح ششگانه‌ای شد که با مقاومت روحانیت به رهبری امام خمینی (ره) رو به رو گردید.

همچنین نویسنده راجع به مبارزات امام خمینی (ره) می‌گوید: امام خمینی مبارزه خود با رژیم را در سه مرحله انجام داد:

مرحله اول: استراتژی امام این بود که شاه از سیاست اسلام زدایی و وابستگی شدید به بیگانگان دست بردارد. وقتی امام از این مرحله مأیوس گردید، مرحله دوم را شروع کرد.

مرحله دوم: مبارزه آغاز می‌گردد. این مبارزه به صورت مقاومت و مبارزه منفی، تضعیف رژیم و بسیج هر چه بیشتر مردم، از طریق آگاهی دادن به مردم صورت می‌گیرد. هنگامی که رژیم به مرحله آسیب پذیری رسید و ملت یکپارچه شد، مرحله سوم آغاز گردید.

مرحله سوم: این مرحله به انهدام رژیم و سقوط شاه منجر گردید و از درون انقلاب اسلامی، نظام سیاسی جدیدی، متناسب با آرمان‌ها و اهداف مشخص شده انقلاب اسلامی تولد یافت. بخش آخر کتاب به بازتاب‌ها، دستاوردها و نتایج انقلاب اسلامی در بعد داخلی و در مقیاس جهانی اختصاص دارد.

۶. تحلیلی بر انقلاب اسلامی

دکتر منوچهر محمدی، ضمن تجلیل و تعظیم از انقلاب اسلامی و با ستایش از ماهیت اسلامی آن، در پی ارائه یک چهارچوب مطلوب و مناسب برای تحلیل انقلاب‌های سیاسی-اجتماعی و همچنین تحلیل کلی از انقلاب اسلامی ایران است. وی این هدف را در دو بخش به انجام می‌رساند:

بخش اول: ارائه چهارچوب تئوریک برای تحلیل پدیده انقلاب، به ویژه انقلاب اسلامی.

بخش دوم: تحلیل انقلاب اسلامی ایران براساس چهارچوب ارائه شده.

در فصل اول کتاب پس از طرح انقلاب از دیدگاه مارکسیست‌ها و غربی‌ها، به تعریف انقلاب پرداخته و پس از طرح و نقد تعاریف ارائه شده، انقلاب را چنین تعریف می‌کند: انقلاب یک حرکت مردمی در جهت تغییر سریع و بنیانی در ارزش‌ها و باورهای مسلط، نهادهای سیاسی، ساختارهای اجتماعی، رهبری، روش‌ها و فعالیت‌های حکومتی یک جامعه توأم با خشونت داخلی می‌باشد.

سپس براساس عوامل و ویژگی‌هایی که از تعریف فوق به دست می‌آید، بررسی و تجزیه و تحلیل

سه مرحله متمایز برای بررسی ریشه‌های ظهور و موفقیت یا عدم موفقیت انقلاب، علی‌الخصوص

پیش‌بینی وقوع انقلاب و همچنین مقایسه انقلاب‌ها را لازم می‌داند. این سه مرحله عبارتند از:

۱. **شرایط اجتماعی قبل از انقلاب:** انقلاب به صورت ایده آل در مکان و زمانی شانس موفقیت خواهد داشت که شرایط دو قطبی بر جامعه حکم فرما باشد. یعنی جامعه با نوعی دوآلیسم (ثنویت) قدرت مواجه گردد.

۲. **پیروزی انقلاب:** پیشرفت یا عدم پیشرفت حالت انقلابی و پیروزی آن، به حضور و کاربرد سه رکن اساسی انقلاب (مردم، رهبری و ایدئولوژی) نیاز دارد.

۳. **بعد از پیروزی انقلاب (مرحله سازندگی):** برای رهبران و گروه‌های انقلابی مشکل‌ترین و پیچیده‌ترین و در واقع سخت‌ترین مراحل انقلاب، دوران بعد از پیروزی بر قدرت سیاسی حاکم می‌باشد.

سپس آفات انقلاب را تحت سه عنوان اصلی نفوذ فرصت‌طلب‌ها، رجعت‌تدریجی ارزش‌های فرهنگی طرد شده و خستگی نیروهای انقلابی و از دست دادن روحیه انقلابی، مورد بررسی قرار می‌دهد.

نویسنده در فصل دوم کتاب به تفصیل، شرایط سیاسی - اجتماعی ایران را در دوران قبل از انقلاب از دو منظر قدرت سیاسی و قدرت اجتماعی بحث می‌کند و معتقد است که قدرت اجتماعی جامعه ایرانی در مذهب نهفته است و هر حرکت و جنبش دیگری جدا از ارزش‌ها و معیارهای مذهبی برای تحقق اهداف سیاسی - اجتماعی نمی‌تواند با موفقیت باشد و بر این اساس می‌نویسد:

عوامل مذکور (سیاسی - اجتماعی) و البته شدن روز افزون مردم از سیستم سیاسی و همچنین ناتوانی قدرت سیاسی از تأمین حداقل خواسته‌ها و نیازهای اجتماعی زمینه را برای یک تحول اساسی در نظام سیاسی - اجتماعی ایران فراهم کرده بود.

در فصل سوم، عوامل پیروزی انقلاب اسلامی را بیان کرده، نقش هر کدام از سه عامل مردم، رهبری و ایدئولوژی را در پیروزی انقلاب اسلامی ایران بیان می‌کند. وی حضور هم‌زمان و کامل سه رکن اصلی انقلاب (مردم، رهبری و ایدئولوژی) را عامل اصلی پیروزی انقلاب می‌داند.

در فصل چهارم، به بررسی نظریات گوناگون در مورد عوامل شتابناک در انقلاب اسلامی ایران، پرداخته و بر این باور است که عامل اصلی شتابناکی انقلاب اسلامی ایران صرفاً جنبه مذهبی داشته و موارد آن را بر می‌شمارد.

در فصل پنجم، مرحله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی را با تقسیم به چهار مرحله، با بیان دوره اول به بحث می‌گذارد، این چهار دوره عبارتند از:

۱. **دوره حاکمیت رسمی لیبرالیسم:** با تشکیل دولت موقت آغاز و با اشغال سفارت آمریکا و

استعفای مهندس بارزگان پایان پذیرفت.

۲. دوره حاکمیت مشترک: با مأموریت شورای انقلاب بعد از استعفای بازرگان آغاز و با آغاز

نخست وزیری شهید رجایی پایان یافت.

۳. دوره نیروهای حزب الله: از انتخاب شهید رجایی به نخست وزیری آغاز و تا عزل بنی صدر

و ماجرای هفتم تیرماه ۱۳۶۰ ادامه داشت.

۴. دوره حاکمیت کامل حزب الله و حذف رسمی لیبرالیسم: با عزل بنی صدر از ریاست

جمهوری و حذف کامل لیبرالیسم از مسئولیت‌های دولتی آغاز گردید که هنوز ادامه دارد.

نویسنده در فصل ششم، به بررسی دوره دوم با عنوان «انقلاب مردم» پرداخته و در ادامه، دوره

سوم را تشریح می‌کند.

در فصل هفتم، دوره چهارم را با عنوان «انقلاب سوم» بررسی می‌کند.

بالاخره در فصل هشتم، به طرح مسائل و مشکلات انقلاب پرداخته و با تفصیل بیشتر مسئله

بوروکراسی اداری و اصلاح دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی را در قالب «انقلاب اداری و فرهنگی»

مورد بررسی قرار می‌دهد و در پایان پیشنهادهایی را برای حل مشکلات مربوطه ارائه می‌نماید.

در پایان یک بار دیگر بر اهمیت انقلاب اسلامی ایران و آسمانی بودنش تأکید ورزیده و وظیفه

حمایت از دست آوردهای آن را گوشزد می‌نماید و سرانجام شگفتی‌های آن را به نقل از مقدمه

کتاب «ایران تحت حکومت روحانیون» نوشته «دیلیپ هیرو» بیان می‌کند.

۲. مروری بر زمینه‌های فکری التقاط جدید در ایران

رسول جعفریان نویسنده این کتاب ضمن بررسی زمینه‌های فکری سده اخیر و عصر حاضر، به نقد

اندیشه متفکرانی که با الهام گرفتن از تفکرات سیاسی - اجتماعی متأثر از خردگرایی در عصر جدید

و گرایش شدید به علم تجربی می‌پردازد.

مؤلف در تحلیل خود به بررسی چهار نوع موضع‌گیری در برخورد مذهب با تمدن غرب از سوی

نیروهای اسلامی پرداخته و یک قسم آن را برخورد درست و سایر موضع‌گیری‌ها را زمینه التقاط

جدید دانسته و آن را نفی می‌کند.

در ادامه نویسنده به نقش مستشرقین در التقاط جدید اشاره کرده و تلاش رهبران نهضت سلفیه را

به خاطر ایجاد نوعی پروتستانیزم اسلامی مورد نکوهش قرار می‌دهد و آیین وهابی‌گری را نیز نوعی

التقاط در دین می‌داند. او علمانیت جدید (گرایش شدید به علوم تجربی) و برخورد قهرآمیز با فلسفه

را با استناد به تعبیر قرآنی و روایی برای علمی جلوه دادن دین از دیگر زمینه‌های التقاط جدید دانسته

و گروه‌ها و افرادی را که مصداق این گرایش‌ها هستند را معرفی و به نقد و بررسی اندیشه‌های آنها

می‌پردازد:

۱. سر سید احمد خان که همزیستی با استعمار انگلیس را تعلیم می‌کرد و در صدد تلفیق اندیشه‌های دینی با مظاهر تمدن غرب بود.
۲. مهدی بازرگان دومین اندیشمندی است که نویسنده با طرح اندیشه‌هایش، التقاط در اندیشه‌های او را ناشی از علم زدگی و تلاش او در جهت تطبیق دین با اصول علمی و تبیین علمی احکام دین می‌داند.
۳. او از مجاهدین خلق (منافقین) به عنوان قربانی دیگر التقاط نام می‌برد و نکته اصلی خطای آنها را در پذیرش اصول دیالکتیک برای تحلیل پدیده‌های اجتماعی می‌داند. آنان سعی کردند تا مباحث قرآنی و دینی را به اصول مارکسیسم تشبیه کنند. در بخش دیگر، ماهیت تحول ایدئولوژیک در سازمان مذکور مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد و زمینه‌های این تحول التقاطی درون سازمانی بررسی می‌شود. اینان به دنبال اسلام علمی بوده‌اند اما در نتیجه بسیاری از اصول مارکسیسم را پذیرفتند. در واقع به نوعی دچار تجددطلبی شدند و به تطابق مذهب با وضع موجود اعتقاد داشتند.
۴. مؤلف در بخش دیگری از کتاب با عنوان «سمبولیسم ابزار جدید تحریف دین»، به نقد اندیشه‌های دکتر شریعتی می‌پردازد و اندیشه‌های او را نوع دیگری از التقاط می‌داند که با سمبولیک توصیف کردن مفاهیم دینی سعی دارد مفاهیم دینی را از محتوای اصلی آن خارج نماید.
۵. مذهب در قالب ایدئولوژی عنوان دیگری است که نویسنده در آن به مطالعه اندیشه‌های گروه‌های آرمان مستضعفین و مجاهدین خلق پرداخته و کوشش آنان را برای تبیین نوعی ایدئولوژی به شیوه غربی برای مذهب، مسیر دیگری در افتادن به گرداب التقاط دانسته و مرحوم شریعتی و سرسید احمد خان و غلام احمد پرویز را نیز در این مسیر می‌داند.
۶. از دیگر عوامل التقاط، فهم نادرست از مفهوم اجتهاد، در برخورد آن با مسائل جدید بود که گروهی معتقد بودند که فقه را باید با تحولات متناسب کرد. یعنی حال که فقه نمی‌تواند دنیا را مطابق خود سازد، باید فقه را مطابق دنیای جدید ساخت. آنان به مفاهیمی چون پویایی مکتب و دینامیسم فقه و قرآن تأکید دارند.
۷. از دیگر زمینه‌های التقاط تفسیر به رأی است که گروهی با پیش داوری و با داشتن نگرشی خاص، سعی در توجیه اندیشه‌های خویش با تمسک به آیات قرآن دارند. این گروه با تحریف معنا و تحریف حذفی سعی دارند تا ایدئولوژی خویش را با آیات الهی تبیین نمایند. البته این، از جمله خطرناک‌ترین نوع التقاط است، در پایان نویسنده به موارد تفسیر به رأی توسط گروه‌ها اشاره می‌کند.

ویژگی‌های تاریخ نگاری ملی گرایان

ملی‌گرایان به عنوان نحله‌ای از تفکر قدیمی ایرانی شعوبیه و با بن‌مایه‌های معرفتی جنبش شعوبی در ایران در دوره‌های مختلف تاریخ ایران، شکل‌های متفاوتی داشته است. این جریان در دوره اخیر با تفکر سکولار همراه شد و البته رشد ناسیونالیسم جدید و مدرن آن را به طور جدی تحت تأثیر و پوشش قرار داد و با پدیده‌های سیاسی معاصر ایران همراه شده و در جنبش ملی شدن صنعت نفت به شکل‌های مختلف و نهایتاً سازمان‌دهی نیروهای ملی‌گرا ظهور کرد. ملی‌گرایان دارای ویژگی‌ها و مختصات خاص خود در حوزه تاریخ‌نگاری و نگرش بر اوضاع و احوال پیرامون و حوادث تاریخی هستند که عبارتند از:

۱. برتری ایدئولوژی ناسیونالیستی بر اسلام

آنچه در بین نویسندگان ملی‌گرا، به عنوان ایدئولوژی بسیار مورد توجه می‌باشد، اصالت و شأنت ایدئولوژی ناسیونالیستی است، یعنی در واقع اسلام وجه غالب ایدئولوژی حاکم بر این آثار نیست و بیشتر به اصول ملی‌گرایی در این آثار اعتنا و توجه شده است و این جمله مشهور از ملی‌گرایان حتی ملی‌گرایان مذهبی است که ما اول ایرانی و بعد مسلمان هستیم و ما اسلام را برای ایران می‌خواهیم و ایران را برای اسلام.

۲. رهبری اسطوره‌ای دکتر محمد مصدق

نکته بسیار مهم در تاریخ‌نگاری ملی‌گرایان اسطوره‌سازی از شخصیت دکتر مصدق است و هر چیزی که در تعارض با این شخصیت اسطوره‌ای و این ساختار اسطوره‌ای قرار گرفته باشد آن را رد یا نفی می‌کند، یکی از بحث‌های مهم در این دوره بحث ورود ملی‌گراها به مجلس و به دنبال آن چگونگی نخست‌وزیری دکتر مصدق است.

اگر ما به سیر تاریخی قضایا نگاه کنیم، می‌بینیم در این سیر، نمایندگان ملی‌گرا و اسلام‌گرا به همراه مردم با ایده ملی کردن صنعت نفت در مجلس شانزدهم شرکت نموده ولی با اعمال نفوذ عبدالحسین هژیر وزیر دربار به این دسته از نمایندگان اجازه کسب رأی از تهران داده نشد. یعنی در تهران رأی‌گیری ممنوع و مسئله تقلب در انتخابات مطرح شد تلاش دکتر مصدق و سایرین برای اقناع دربار در برگزاری انتخابات آزاد حتی در تهران به نتیجه نرسید و هیچ کدام از ملی‌گرایان از جبهه دکتر مصدق به مجلس راه نیافتند اما فدائیان اسلام به رهبری روحانی جوانی به نام سید مجتبی (میر لوحی) نواب صفوی و توسط مرحوم سیدحسن امامی که عضو برجسته فدائیان اسلام بود،

عبدالحسین هژیر وزیر دربار را به عنوان عامل اصلی تقلب در انتخابات معرفی و او را از میان برداشتند و بعد از ترور عبدالحسین هژیر با توجه به ترس و وحشتی که بر دربار حاکم می‌شود، رژیم پهلوی کوتاه می‌آید و اجازه می‌دهد در تهران انتخابات به نوعی آزاد انجام شود که به سبب انتخابات یازده نفر عضو ائتلاف نیروهای ملی به مجلس راه پیدا می‌کنند، که دکتر مصدق و آیت الله کاشانی در رأس راه یافتگان به مجلس شانزدهم بوده‌اند. این مجموعه با ورود به مجلس شانزدهم بحث ملی شدن صنعت نفت را پی می‌گیرند و تلاش این یازده نفر برای تصویب طرح ماده واحده ملی شدن صنعت نفت در نوع خود جالب توجه است و غیر از یازده امضایی که از افراد ملی برای تصویب طرح ماده واحده ملی شدن صنعت گرفته شد، نتوانستند یک نفر دیگر را راضی کنند که به این مسئله رضایت دهد و طرح را امضاء کنند و فشار عمومی که در جامعه از طرف مردم به رهبری آیت الله کاشانی اعمال شده دستگاه و دولت انگلستان و آمریکا را مجبور می‌کند که به سمت ایجاد حکومت نظامی و یک حاکم نظامی روی بیاورند؛ از این رو سرلشگر رزم آرا به نخست وزیری انتخاب می‌شود. رزم آرا در صدد مصادره تمام حاکمیت بود، به اعتقاد بعضی رزم آرا حق هم داشت، چون خودش را بسیار فراتر و نیرومندتر از محمدرضا پهلوی می‌دید. همچنین دریافته بود که محمدرضا جوان فاقد اراده و قدرت لازم در شاکله حاکمیت پهلوی است. لذا خیلی راحت می‌توانست او را از سلطنت حذف کند. البته این مسئله هم مورد تمایل انگلیسی‌ها نبود، ولی آمریکایی‌ها خواهان آن بودند که رزم آرا به عنوان آلترناتیوی در کنار محمدرضا قرار گیرد. لذا جرالد دوهر وابسته عشایری سفارت آمریکا - که وابستگی عشایری پوششی برای عملیات سیاسی وی بود - به شدت در مسیر به قدرت رساندن رزم آرا در ایران تلاش می‌کرد و جالب این است که رزم آرا می‌آید در مجلس و می‌خواهد کابینه خود را معرفی کند؛ اعضای جبهه ملی هر چه اعتراض و فریاد می‌زنند که با انتخاب رزم آرا مخالف هستند و می‌گویند که ما دیکتاتور نمی‌خواهیم ولی اکثریت قاطع نمایندگان که منتخب دربار بودند به رزم آرا رأی می‌دهند و طی مدتی که رزم آرا بر مسند حکومت بود، عملاً مجرای ملی شدن صنعت نفت به بن بست رسیده بود. تحلیل جبهه ملی این بود که کودتای رزم آرا پایان مسئله ملی شدن نفت می‌باشد و البته کسی این قدرت و جرأت را نداشت که رزم آرا را از این کار منصرف کند و حتی غلامحسین فروهر وزیر دارایی دولت رزم آرا در مجلس رسماً گفت: شما که عرضه ساختن یک لوله‌نگ (آفتابه مسی) را ندارید چرا ادعا می‌کنید که می‌خواهید صنعت نفت را اداره کنید. حاج مهدی عراقی در کتاب ناگفته‌ها نقل شده، توضیح می‌دهد که در جلسه فیما بین رهبران جبهه ملی و فدائیان اسلام، آقایان نشستند، توافق کردند و گفتند: رزم آرا مانع اصلی ملی شدن صنعت نفت است و فدائیان استدلال کردند که با حذف رزم آرا قدرت به جبهه ملی خواهد رسید و ما به دنبال اجرای احکام اسلام هستیم و رهبران جبهه ملی این مسئله را رسماً پذیرفتند که ما اجازه

می‌دهیم احکام اسلام اجرا شود، شما رزم آرا را از میان بردارید. سید عبدالحسین واحدی مرد شماره دو فدائیان اسلام در مسجد شاه اعلام کرد که رزم آرا یا کنار برود یا او را به همان جا می‌فرستیم که هژیر را فرستادیم و دو روز بعد در مجلس ختم آیت الله فیض، خلیل طهماسبی رزم آرا را در پیش چشم همه حاضران ترور می‌کند و رسماً مسئولیت این ترور را به عهده می‌گیرد و بعد از آن دستگیر و محاکمه می‌شود.

با کشته شدن رزم آرا، علاء به عنوان نخست وزیر معرفی می‌شود و زمینه برای به قدرت رسیدن دکتر مصدق فراهم می‌شود. همه عناصری که در این دوره فعالیت دارند، نیروهای مسلمان هستند. آیت الله کاشانی رضایت خود را از اقدامات صورت گرفته اعلام می‌دارد و حتی مجلس شانزدهم مصوبه خاصی در روند محاکمه خلیل طهماسبی به تصویب می‌رساند و با اعلام صیانت رزم آرا با فرض قاتل بودن خلیل طهماسبی او را از این جرم مبرا می‌کند. جالب این است که از آن زمان تا به حال هیچ کس نگفته محمدرضا شاه در این موضوع دست داشته و اگر واقعاً محمدرضا و عناصر او این کار را انجام می‌دادند، قاعدتاً، اسدالله خان علم باید در یادداشت‌ها و خاطرات خود این مطلب را می‌نوشت. همان گونه که می‌گوید من در پانزده خرداد عده زیادی از اراذل و اوباش را سرکوب کردم و تعداد زیادی را کشتم و تمام روحانیت را خانه نشین کردم، می‌توانست بگوید من رزم آرا را هم کشتم و او هیچ رودبایستی هم با کسی نداشت. راحت می‌توانست مطالب خود را بیان کند و در یادداشت‌ها بنویسد. یا وقتی از شاه می‌پرسند، تیمور بختیار را چه کسی کشت. شاه به صراحت می‌گوید ما کشتیم (یعنی ساواک کشت) و حالا چه‌طور بعد از ۲۶ سال یک تیر فرضی را پیدا می‌کنند که سبب کشته شدن رزم آرا شده است. همه این مستندات موجود است که خلیل طهماسبی به خاطر این قضیه محکوم به اعدام شد و نمایندگان مجلس مصوبه‌ای را تصویب کردند که او را تبرئه کنند. جالب است که مجلس هفدهم بعد از کودتای ۲۸ مرداد و بعد از اینکه طهماسبی تبرئه شده و چند سال آزاد بود، مجدداً مصوبه جدیدی را تصویب کرد و آن مصوبه قبلی را که مربوط به بی‌گناهی او بود را لغو کردند. اگر کسی کتاب اسرار قتل رزم آرا نوشته آقای محمد ترکان را بخواند، متوجه می‌شود، ایشان عناصری را کنار هم گذاشته تا اثبات کند کسان دیگری از دربار و مرتبط با انگلستان مرتکب ترور رزم آرا شده‌اند، چرا که اهمیت قصه به این بر می‌گردد که اگر قتل رزم آرا توسط خلیل طهماسبی باشد در آن صورت جبهه ملی و دکتر مصدق بدهکار فداکاری فدائیان اسلام خواهند ماند. خاصه آنکه دکتر مصدق رفتار بسیار غیر دوستانه‌ای را بعد از به قدرت رسیدن با فدائیان اسلام انجام داد؛ حال آنکه مسیر ورود او و دوستانش در مجلس شانزدهم و سپس نخست وزیری وی توسط فدائیان هموار شد و این وحشت ناشی از ترور رزم آرا بود که شاه، دربار و مجلس را مجاب به امضا قانون ملی شدن صنعت نفت کرد. نکته قابل توجه این است که ملی‌گرایان در بحث تاریخ

نگاریشان در مسائل مختلف فوق العاده هدفمند عمل کردند. لذا وقتی کتاب تاریخ ۲۵ ساله سرهنگ غلامرضا نجاتی را می‌خوانیم، در می‌یابیم اصلاً در این ۲۵ سال غیر از نهضت آزادی هیچ جریان فعالی در ایران وجود نداشته، غیر از رهبران نهضت آزادی که جریان را به نحوی هدایت کردند، شخصیت‌های مهم دیگر، چندان نقشی ندارند.

البته تبلیغات مطبوعاتی همزمان با وقوع انقلاب در ایجاد این توهم مؤثر بوده است. چنان چه در این میان احسان نراقی نیز این قصه را باور کرده و فکر می‌کرد جریان حوادث انقلاب در دست نهضت آزادی و ملی‌گرایان است و عنوان می‌کند، من وقتی با شاه ملاقات کردم، به شاه گفتم: شما در گذشته به دکتر مصدق توهین کردید و حالا که قصه دست رهبران ملی‌گرا است، شما باید به نوعی اینها را همراهی کنید. محمدرضا پهلوی به نراقی گفته بود، تو نمی‌دانی و دریافت تو ناقص است، تو بر فضای سیاسی کشور اشراف نداری، ولی من می‌دانم که این وقایعی که اتفاق افتاده همه زیر سر آخوندها است و جریان را اینها هدایت می‌کنند و رهبری حوادث در دست روحانیت و نیروهای مذهبی است.

نیروهای ملی‌گرا هر آنچه را که ممکن بود اسطوره دکتر مصدق را مورد تعرض قرار داده و یا آنکه در افتخاری از افتخارات برای دکتر مصدق شریکی پیدا شود، آمدند تاریخ را به گونه‌ای دیگر تفسیر کردند و ضمن اینکه هیچ شریکی را در جریان ملی‌گرایی برای دکتر مصدق نپذیرفتند.

۳. روحانیت ستیزی تاریخی

با کنکاش در مطالب و منابعی که راجع به ملی‌شدن صنعت نفت از ملی‌گرایان به چاپ رسیده است در می‌یابیم که برای آیت‌الله کاشانی در جریان ملی‌شدن صنعت نفت هیچ نقشی قائل نیستند و جاهایی که بر نقش آقای کاشانی تأکید می‌کنند، می‌خواهند بگویند؛ چرا آیت‌الله کاشانی، زاهدی را مدتی در مجلس نگه داشت. اصرار دارند به نوعی روحانیت را در کودتای ۲۸ مرداد دخیل جلوه دهند. نوک پیکان اتهام در مرحله اول آیت‌الله کاشانی و در مرحله دوم آیت‌الله بهبهانی را نشانه می‌گیرد البته بعضی‌ها هم جرأت کردند آیت‌الله بروجردی را با ماجرای کودتای ۲۸ مرداد همراه کنند و روحانیت را به نوعی موافق با جریان نیروهای آمریکائی و انگلیسی که در این دوره آمدند کودتا کردند نشان بدهند. این مسئله در آثار این دسته از آقایان کاملاً آشکار است. نکته دیگری که در آثار ملی‌گرایان مشخص است تلاش جدی آنان برای ترسیم یک چهره موحد و کانون قدرت پنهان در جریان انقلاب از روحانیت است. روحانیتی که در تقابل قدرت این بار اشتباه مشروطه و نهضت ملی را مرتکب نشد و آنچه را که خود در مبارزات سیاسی به دست آورده بود به دست ملی‌گرایان نسپرد و برای آن کوشش جدی‌تری به خرج داد، به همین خاطر روحانیت به همراه

امام خمینی هر چند در زمان انقلاب و قبل از پیروزی مورد توجه حداقلی قرار می‌گیرد، ولی بعد از انقلاب به شدت در مجموعه آثار تاریخی ملی گرایان مورد بغض شدید است و در دوره‌های بعد یکی از بحث‌هایی که اینها مورد توجه قرار دادند، بحث مرحوم طیب است. چون طیب در کودتا ۲۸ مرداد حضور داشت و بعد در جریان نهضت امام خمینی اولین فدائی ایشان شد.

طیب از طرفی به امام متصل شده ولی به هیچ وجه به روند جدایی طیب از رژیم پهلوی توجه نمی‌کنند و جالب اینکه در کتاب خاطرات شعبان جعفری هم مطالبی در مورد این قضیه آمده است. هما سرشار هم خیلی نسبت به این مسئله توجه دارد که به نوعی شعبان جعفری را متصل کند به فدائیان اسلام و دیگر این که طیب را همانند شعبان جعفری نشان بدهد و جالب‌تر اینکه شعبان جعفری به علت سادگی خود خیلی جاها صداقت به خرج می‌دهد و می‌گوید من عضو فدائیان اسلام نبودم. هما سرشار چندین بار تأکید می‌کند که شما عضو فدائیان اسلام بودید، بعد شعبان می‌گوید: اینها تشکیلات نداشتند و کارهایشان هیئت‌ی بوده و ضمن اینکه این مطالب را عنوان می‌کند، بعد می‌گوید من اصلاً عضو اینها نبودم و با آنها هم خوانی نداشتم. اینها آدم‌های مذهبی، مقید، اهل مسجد و نماز بودند و من این‌گونه نبودم.

جایی دیگر هما سرشار به صورت کنایه می‌گوید: شما هیئت راه انداخته و اهل روضه خوانی بودید، طیب هم مثل شما بود. بعد شعبان جعفری می‌گوید: من مثل طیب نبودم، طیب به این چیزها توجه داشت ولی من اعتقاد نداشتم. حتی وقتی مادرم می‌خواست برود امام رضا(ع)، برای آنکه بیماریش شفا پیدا کند، من گفتم اگر قرار باشد امام رضا(ع) همه را شفا بدهد، باید همه دکترها کارشان را جمع کنند و بروند دنبال کارشان، که مادر گفت من او را مسخره کردم، ولی طیب مثل ما نبود. حتی او مراسم روضه خود را داشت. مرحوم عراقی در خاطراتش در خصوص سابقه همکاری طیب با رژیم پهلوی و احتمال خطر برخورد اطرافیان با تظاهرکنندگان را این‌طور نقل می‌کند؛ ما گفتیم: آقا ممکن است خطر از طرف نیروهای طیب باشد، امام فرمودند: او به امام حسین اعتقاد دارد و جزو کسانی است که منتظر است عاشورا شود و در ضمن مجلس روضه هم برگزار می‌کند. طیب را به هیچ عنوان نمی‌توان با شعبان جعفری و امثالهم مقایسه کرد. طبق اسناد موجود، او را بسیار شکنجه کردند و خواستند او اعتراف کند و بگوید در جریان ۱۵ خرداد از امام خمینی پول گرفته‌ام و این آشوب را به راه انداختم. ولی او این مسئله را قبول نکرد و بعد هم گفت من در کودتای ۲۸ مرداد نقش داشتم و از آمریکائی‌ها پول گرفتم و محمدرضا شاه را بر سر کار آوردم. در جایی دیگر می‌گوید که من همه گناهی در زندگی ام مرتکب شده‌ام، غیر از گناه تهمت به پسر پیغمبر(ص) و حضرت علی(ع) و الان هم نمی‌خواهم این گناه را مرتکب شوم.

یکی دیگر از موضوعات قابل توجه، ماجرای مرحوم سرلشگر قرنی است. در خصوص سرلشگر

قرنی باید گفت ایشان در جریان کودتای ۲۸ مرداد، فرمانده نظامی تیپ گیلان بوده که هیچ مدرکی علیه همکاری او با عوامل کودتای ۲۸ مرداد ثبت و به اثبات نرسیده و تنها چیزی که مطبوعات آن دوره خواستند راجع به اقدامات قرنی توضیح دهند، این بوده است که بعد از تجمعاتی که صورت گرفت و منجر به پائین آوردن مجسمه شاه و پیروزی کودتا شد، قرنی دستور داد، مجسمه شاه را به داخل پادگان آوردند و مردم را با زبان پراکنده کرد و حتی زد و خوردی صورت نگرفت. او از مردم خواهش کرد به خانه‌های خودشان برگردند. قرنی در سال ۱۳۳۳ رئیس دوم اداره اطلاعات ارتش بود و کسانی که با قرنی در این مورد برخورد کردند، می‌گویند قرنی با ملاحظت رفتار می‌کرد. چند تن از ملی‌گرایان و روزنامه‌نگاران که آدم‌های مستقلی بودند، در خاطر ایشان از برخورد خوب قرنی با خودشان مطالبی نقل کرده‌اند. وی در سال ۱۳۳۶ به فکر یک کودتا می‌افتد، وی معتقد بود که دستگاه دولتی در ایران فاسد شده و در کنار فسادش گرفتار بی‌نظمی و بی‌سر و سامانی گسترده‌ای است و این ساماندهی را می‌توان از طریق یک کودتای نظامی به سرانجام رساند. ضمن اینکه می‌دانسته این تمایل در آمریکایی‌ها در جریان کودتای ۲۸ مرداد وجود داشته که حکومت در ایران را به سوی یک دیکتاتوری و حاکمیت نظامی وابسته به آمریکا پیش ببرند.

قرنی در سال ۱۳۳۶ توسط اسفندیار بزرگمهر، آمریکایی‌ها را در جریان کودتا می‌گذارد، اما آمریکایی‌ها تصمیم نداشتند در آن دوره تغییری را در ایران انجام دهند و با قرنی که او را دقیقاً نمی‌شناختند باب همکاری را باز کنند و لذا قرنی را کنار گذاشته و کودتا را لو می‌دهند و به محمدرضا پهلوی خبر می‌دهند. در اینکه کودتا توسط آمریکایی‌ها یا انگلیس‌ها و یا روسیه‌ای‌ها فاش شده اختلاف نظر است. هر کدام از نویسندگان و مورخان بر حسب تمایلات و برداشت‌های خودشان به این مسئله اشاره می‌کنند. بعضی آمریکایی‌ها را، بعضی انگلیسی‌ها و بعضی روسیه‌ای‌ها را مقصر می‌دانند.

قرنی بعد از اینکه دستگیر می‌شود و به زندان می‌افتد، با آیت الله طالقانی آشنا می‌شود و بعد از گذراندن دوره سه ساله محکومیت خود به شدت تحت نظر قرار می‌گیرد و علی‌رغم تلاش حکومت، از جمله شاه، فردوست و دیگران که سعی کردند قرنی را به بدنه حکومت برگردانند، با وجود بسیاری از محرومیت‌هایی که در این دوره تحمل می‌کند، از قبیل: محرومیت به خاطر فقر، نداشتن کار، زندانی بودن و... قرنی موافقت نمی‌کند که دوباره با پهلوی‌ها همکاری نماید و به حکومت وصل شود. در این میان دیگران هم جرأت نمی‌کردند با او رفت و آمد و همکاری کنند. قرنی نیروهای خاصی را در ارتش سازمان دهی کرد و طبق گزارشی که از ساواک در سال ۱۳۴۱ - ۱۳۴۲ به جا مانده، می‌گویند قرنی در ارتش به اندازه یک لشکر نیرو سازمان دهی کرده و توانسته بود افراد بسیاری را بسیج کند، در حالی که شدیداً تحت نظر بوده است. در جریان قیام ۱۵

خرداد، قرنی به نحوی با نیروهای مسلمان همراهی می‌کند و سال ۱۳۴۳ اولین برخورد و ملاقات او با مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی (ره) بوده که ساواک آن را گزارش می‌کند. همچنین تماس‌هایی با آیت‌الله میلانی (ره) داشته است. وی مجدداً دستگیر و محکوم و زندانی می‌شود و بعد از این دوره، قرابت قرنی با جنبش امام خمینی بیش از پیش می‌گردد.

بحث دیگری که میان ملی‌گراها و نیروهای مسلمان بوده این است که بعد از جریان کودتای ۲۸ مرداد، قرنی رئیس ستاد امام خمینی (ره) شده و بسیاری از او انتقاد کرده‌اند. به طور مثال جدیدترین مقاله و تندترین انتقاد آنها توسط سرلشگر ناصر فرید، جانشین قرنی در ستاد مشترک از او صورت گرفته است که در ماهنامه حافظ منتشر شده است و البته ماهنامه حافظ فقط اسمش حافظ بوده و دقیقاً یک ماهنامه تاریخی است که با دیدگاه و دغدغه‌های ملی‌گرایان منتشر می‌شود.

۴. مقصر خوانی حزب توده

یکی دیگر از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری ملی‌گرایان موضوع کودتای ۲۸ مرداد است که ملی‌گرایان با وجودی که قدرت سیاسی و نظامی و قانونی در اختیار آنان بوده در معرض کودتای ۲۸ مرداد قرار گرفتند و یکی از مباحث حل‌نشده در تاریخ ملی شدن نفت دعوا بر سر مقصریابی وقوع کودتا است. ملی‌گرایان عمدتاً حزب توده و اخیراً اسلام‌گرایان را مقصر وقوع کودتا معرفی می‌کنند و دیگر اینکه ملی‌گرایان توجه دارند به خود آمریکائی‌ها توهینی نمایند و انتقاد از دخالت آمریکا را مسکوت نگه می‌دارند، اما شدیدترین اتهامات را متوجه اسلام‌گرایان و حزب توده می‌نمایند و حزب توده را عامل شکست نهضت ملی معرفی می‌کنند. برای آشنایی بیشتر با ادبیات تاریخ‌نگاری ملی‌گرایان، دو کتاب تاریخ بیست و پنج ساله نجاتی و بازیابی ارزش‌ها (مهندس بازرگان) را مورد ارزیابی بیشتری قرار می‌دهیم.

۱. تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)

این کتاب در دو جلد ضمن تشریح و تبیین سیاست داخلی و خارجی محمدرضا شاه و مخالفان حکومت و چگونگی تشکیل و عملکرد سازمان‌های مخالف، به بیان مواضع و عکس‌العمل محمدرضا پهلوی، در قبال آنها می‌پردازد.

سرهنگ غلامرضا نجاتی معتقد است؛ این کتاب شرح مستندی از یک دوره بیست و پنج ساله تاریخ ایران از بیست و نهم مرداد ۱۳۳۲ تا آغاز اسفند ۱۳۵۷ می‌باشد که مباحث، براساس شواهد معتبر ارائه شده است، مباحث مهم کتاب عبارتند از: علل شکست نهضت ملی ایران و پی‌آمدهای آن، مقاومت در برابر رژیم کودتا، علل و عوامل حکومت بیست و پنج ساله محمدرضا پهلوی، شناخت

مبارزین علیه حکومت پهلوی و علل عدم موفقیت آنها و عوامل شکست برنامه‌های رفرم شاه. نویسنده، حزب توده را یکی از عوامل شکست نهضت ملی برشمرده ولی آن را عامل اساسی نمی‌داند، بلکه متذکر شده که عوامل تهدید کننده استقلال سیاسی و اقتصادی ایران، عمال و مزدوران بریتانیا و سفارت آمریکا بودند که کودتای بیست و هشتم مرداد را سازمان دهی و اجرا کردند. سپس نویسنده به تبیین و تشریح نظریات مختلف درباره حل مسئله نفت از جمله پیشنهاد بانک جهانی پرداخته و به دلیل رد پیشنهاد بانک جهانی از طرف مصدق را، یکی از تصمیمات شجاعانه این دوره به شمار آورده و در قسمتی از کتاب، به تاریخچه نیروهای مسلح ایران و نقش و عملکرد آنها در وقایع شهریور ۱۳۲۰ و مرداد ۱۳۳۲ می‌پردازد. وی بخشی از کتاب را به بحث درباره قرارداد کنسرسيوم اختصاص داده و معتقد است که این قرارداد، حقوق ایران را پایمال کرده و وابستگی سیاسی، اقتصادی و نظامی کشور به غرب و ایالات متحده آمریکا را فراهم نموده است. در بخش دیگر، نویسنده به بررسی عملیات و مبارزات نهضت مقاومت ملی در طی سه دوره پرداخته و اعلام فضای باز سیاسی از طرف محمدرضا و تحولات اساسی اجتماعی ایران در اوایل دهه ۱۳۴۰ را از جمله آثار و پیامدهای مبارزات نهضت مقاومت ملی می‌داند. وی سپس به بررسی و تحلیل فعالیت و عملکرد جبهه ملی و نهضت آزادی می‌پردازد و معتقد است که در طی نیم قرن اخیر نهضت آزادی در میان دیگر احزاب سیاسی، فعال‌ترین و مقاوم‌ترین سازمان سیاسی بوده است و اولین حزبی بوده که با ایدئولوژی منطبق و مأخوذ از اسلام توانست فعالیت‌های سیاسی - ملی را با نهضت روحانیت هماهنگ سازد و پانزده سال مبارزه با رژیم شاه را در داخل و خارج کشور ادامه دهد.

وی همچنین به چگونگی پیاده کردن برنامه رفرم طرح ریزی شده و اشینگتن توسط محمدرضا شاه، بررسی و ارزیابی عملکرد نهضت آزادی در قبال این حرکت و همه پرسی محمدرضا شاه در سال ۱۳۴۱ اشاره می‌نماید و به اهمیت نقش روحانیت در مبارزه با رژیم شاه می‌پردازد و تحلیلی از مواضع روحانیون در تحولات سیاسی - اجتماعی را ارائه می‌کند و نطق روز سیزدهم خرداد ۱۳۴۲ امام خمینی (ره) را نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران دانسته و این سخنرانی را آغاز شمارش معکوس فروپاشی رژیم شاهنشاهی می‌داند و معتقد است که قیام پانزده خرداد، قیامی بود مذهبی و ضدیت با استبداد، عامل وحدت و حرکت قیام کنندگان بود و علل شکست قیام پانزده خرداد را نداشتن هدف و برنامه مشخص و... می‌داند و سپس به بررسی و تبیین مسئله کاپیتولاسیون و مواضع علما در قبال آن و پیامدهای آن و همچنین به تشریح و تحلیل موقعیت حزب توده ایران و فعالیت احزاب و سازمان‌های سیاسی دانشجویی در داخل و خارج کشور می‌پردازد و به طور مفصل به تاریخچه سازمان فدائیان خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران (منافقین) و مواضع آنها در قبال تحولات و

انقلاب اسلامی ایران اشاره می‌کند.

نویسنده معتقد است؛ اگرچه گروه‌های چریکی نتوانستند به همه اهداف خود برسند، ولی عملیات مسلحانه چریک‌ها، فضای سیاسی کشور را عوض کرد و قدر قدرتی محمدرضا شاه را باطل ساخت. وی سپس به تشریح روابط و مناسبات ایران و آمریکا می‌پردازد و بر این اعتقاد است که روابط ایران و آمریکا در طی سال‌های ۱۳۵۶ - ۵۱ در زمینه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و امنیتی به اوج خود رسید.

نویسنده در جلد دوم کتاب، ابتدا اعتراض مردم ایران در قالب مجمع نویسندگان [از جمله علی اصغر حاج سید جوادی و...] علیه رژیم محمدرضا را مطرح کرده و به تبیین و تشریح اوضاع سیاسی و خط مشی ریاست جمهوری آمریکا در زمان کارتر و دکترین حقوق بشر او و عکس‌العمل محمدرضا شاه در قبال آن در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی می‌پردازد و معتقد است که هر چند دولت کارتر، شاه را در زمینه اجرای حقوق بشر، زیر فشار جدی قرار نداد، مع‌هذا، هواداری دولت جدید آمریکا از اصول حقوق بشر، این باور را در میان گروه‌های اپوزیسیون تقویب کرد که شاه به توصیه و دستور واشینگتن مجبور به رعایت حقوق بشر در ایران شده است. بعد، نویسنده به دو حادثه اشاره می‌کند که به اعتقاد ایشان، این دو حادثه از دامنه اعتراض بیرون رفته و به حضور اجتماعی مردم و انقلاب منجر شده است؛ یکی سفر جیمی کارتر به ایران و اظهارات وی در سال ۱۳۵۶ و دیگری مقاله هفده دی ۱۳۵۶ روزنامه اطلاعات علیه امام خمینی (ره) بود. وی سپس به تشریح اعتراض محافل مذهبی در قم و... نسبت به مقاله روزنامه اطلاعات و عکس‌العمل رژیم محمدرضا شاه در قبال این اعتراضات می‌پردازد و در ادامه به کابینه جعفر شریف امامی و تظاهرات و قتل عام مردم در اکثر شهرهای ایران در سال ۱۳۵۷، اشاره می‌کنند. مؤلف مباحثی همچون: حکومت نظامی تهران و یازده شهر ایران، کشتار هفده شهریور، اعتصاب‌ها، هجرت امام خمینی (ره) به پاریس، مصاحبه‌ها و سخنرانی امام در پاریس، اوج‌گیری تظاهرات در ایران، اختلاف نظر مقامات سیاسی آمریکا درباره ایران و پشتیبانی از شاه و سیاست مشت آهنین شاه و مواضع دیگر محمدرضا در قبال انقلابیون را مطرح می‌کند. همچنین به کنفرانس ۱۹۷۹ گوآدلوپ که توسط چهار کشور آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان برگزار شده بود - که یکی از موضوعات کنفرانس انقلاب ایران بود - اشاره می‌نماید.

نویسنده متذکر می‌شود که بین ۲۶ تا ۲۷ بهمن ۱۳۵۷، به درخواست دولت آمریکا مذاکراتی در پنج نوبت بین آمریکا و ایران رد و بدل شد که این مذاکرات تاریخی و سرنوشت ساز از جهات مختلفی در خور مطالعه و بررسی وسیعی است. بنابراین به دو گزارش (یکی از گری سیک معاون شورای امنیت ملی آمریکا و دیگری از ابراهیم یزدی) اشاره می‌نماید و بعد درباره تشکیل شورای انقلاب که در آذر ۱۳۵۷ به دستور امام خمینی (ره) تأسیس شده بود، مطالبی را بیان کرده و به دیدار

شخصیت‌های خارجی با امام خمینی و مصاحبه‌هایشان اشاره دارد. بازگشت امام خمینی (ره) به ایران و مواضع آمریکا در قبال امام (پس از بازگشت از پاریس به ایران)، خروج شاه از ایران (به سوی مصر، مراکش، پاناما و آمریکا) و جریان گروگان‌گیری در تهران، از جمله نکاتی است که مؤلف به آن می‌پردازد و در گفتار پایانی کتابش اشاره می‌کند که مطالعه و تحلیل علل پیروزی سریع انقلاب سال ۱۳۵۷، بدون بررسی شخصیت آیت‌الله خمینی (ره)، دشوار و حتی ناممکن است. نویسنده ضمن پرداختن به فلسفه سیاسی امام خمینی (ره)، به ذکر کروئولوژی انقلاب اسلامی از مرداد ۱۳۵۶ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ می‌پردازد.

۲. بازیابی ارزش‌ها جلد (۲)

این اثر گردآوری چند مقاله توسط مهندس مهدی بازرگان با موضوعات متفاوت است که در مطبوعات درج شده بود و به شکل کتاب انتشار یافته است.

۱. مقاله اول پیرامون مسائل بعد از انقلاب و در رد برخی از تحریکات انقلابی است که برخی از این حرکات مغایر اعمال و اندیشه‌های مؤلف بوده است. او مسائلی از قبیل افشاگری اسناد لانه جاسوسی، حذف طاغوتیان، پاک‌سازی ادارات، تکیه بر تخصص (انحصارطلبی)، تکفیر ملی‌گرایان و تعدد مراکز تصمیم‌گیری را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد.

۲. مؤلف در مقاله دوم که با عنوان انقلاب اسلامی و انقلاب مارکسیستی است، حرکات‌های مارکسیست‌ها را در طول تاریخ معاصر نقد و بررسی می‌کند و با برشمردن نمونه‌های عینی و اقدامات گروه‌های مارکسیستی، به حضور فکری و فساد روحی این گروه‌ها اشاره می‌کند. در پایان مقاله به خود فروشی عوامل احزاب چپ در زندان‌های شاه و در یوزگی گروه‌های مارکسیستی اشاره دارد.

۳. نویسنده در مقاله سوم به بررسی بعثت و راه‌های ایمان می‌پردازد. پس از بررسی اهداف و رسالت پیامبر (ص) به این مسئله می‌پردازد که تحلیل علمی از دین و تبیین علمی قرآن، التقاط نیست؛ بلکه تجربه‌گرایی و علم‌گرایی از برنامه‌های بعثت پیامبر (ص) است.

۴. در مقاله چهارم مؤلف به مسئله تقوا اشاره دارد و با نقل داستانی به زمینه‌های متفاوت تقوا می‌پردازد و آن را به عنوان ترمز اوامر الهی می‌داند تا انسان دچار افراط نگردد.

۵. نویسنده در مقاله پنجم درباره اختلاف دو نظریه امام و خودش - اینکه امام خمینی (ره) بر اسلام تأکید می‌کرد و بازرگان بر ایران - اظهار می‌دارد که: قصد امام خدمت به اسلام از طریق ایران بود و قصد من خدمت به ایران از طریق اسلام بود. او این دو نظریه را بررسی و تحلیل می‌کند.

۶. در مقاله ششم به بررسی مقاومت مردم و ارتش ایران در مقابل حمله عراق و عوامل مؤثر در تقویت روحیه مردم می‌پردازد.

۷. آخرین مقاله یک سخنرانی پیرامون رابطه میان انقلاب و انتظار می‌باشد. آیا انقلاب مغایر با انتظار است یا مقوم آن؟ نویسنده با تکیه بر آیات و روایات، پدیده انقلاب را مقدمه انتظار و انقلاب آخر الزمان می‌داند.

نکته‌ای که باید درباره تاریخ‌نگاری ملی گرایان تذکر داد، تفاوت بسیار مهم ایدئولوژیک در میان ملی‌گرایان است؛ طیفی از ملی‌گرایان اصولاً لائیک و دارای فاصله‌های بسیار از مذهب هستند، اما جمعی دیگر از آنان دارای قربت نزدیک‌تری با مقوله دیانت و دین‌داری داشته‌اند.

نتیجه‌گیری:

تردیدی وجود ندارد که بررسی تحلیلی نگرش تاریخی هر کدام از طیف‌های اسلام‌گرا و ملی‌گرا می‌تواند ما را در دریافت صحیح‌تر واقعیت‌های تاریخی و جریان‌های تاریخ‌نگاری رهنمون سازد. چه اینکه درک نقاط مهم اشتراک و افتراق الزاما به معنای درستی و یا نادرستی هر یک از طرفین نیست بلکه به نوع فهم هر کدام از طیف‌ها از قضایای تاریخی برمی‌گردد و بر محقق و مدرس تاریخ است که تا ضمن درک زاویه دید و افق دریافت هر طیفی تاریخ معاصر ایران را بهتر فهم نماید. و در درک خطوط تماس و تضاد ارزیابی اسناد اسیر قضاوت‌ها و مرعوب تهاافتها نشود. این آغازی برای تحقیق و دریافت بهتر محقق و پژوهشگر تاریخی و انتخاب مشرب نظری مورد رضایت در قضاوت خویش است.

کتابنامه:

۱. روحانی، حمید، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، راه امام، ۱۳۵۹
- ترجمه: مترجمین سپاه پاسداران، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بی تا.
۲. انقلاب اسلامی در ایران/ پروفیسور حامد الگار، ترجمه مرتضی اسعدی و حسن چیذری، تهران: انتشارات قلم، ۱۳۶۰.
۳. سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی، به روایت تاریخ کمبریج / ترجمه عباس مخبر و ویراستاری مرتضی اسعدی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۱.
۴. تاریخ سیاسی معاصر ایران/ سید جلال الدین مدنی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۱.
۵. زوایای تاریخ/ جلال الدین فارسی، تهران: نشر حدیث، ۱۳۷۳.
۶. حدیث پیمان، پژوهشی در انقلاب اسلامی / حمید پارسائی، تهران: معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی ۱۳۷۶، قم: (دفتر نشر معارف).
۷. زندگی نامه سیاسی امام خمینی (ره)/ محمدحسن رجبی، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
۸. کوثر. [مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی (ره)]، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۹. امام خمینی در آینه خاطرها / علی دوانی، تهران: نشر معلم، ۱۳۷۳.
۱۰. انقلاب و ریشه‌ها / حبیب الله طاهری، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز چاپ و نشر، ۱۳۶۹.
۱۱. پا به پای آفتاب: گفته‌ها و ناگفته‌ها از زندگی امام خمینی (ره) (جلد ۴) / گردآوری و تدوین امیررضا ستوده، تهران: نشر پنجره، ۱۳۷۳.
۱۲. تفسیر آفتاب: نگرشی به رسالت اسلام و حماسه انسان، در رهبری امام خمینی / محمدرضا حکیمی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۷.
۱۳. سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی (ره) (جلد ۵) / به قلم و روایت جمعی از فضلا و یاران امام، گردآوری و تنظیم مصطفی وجدانی و رضا شریباف، تهران: پیام آزادی، ۱۳۶۴.
۱۴. نهضت روحانیون ایران (جلد ۱۵) / علی دوانی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۵. درآمدی بر ریشه‌های انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات) به کوشش عبدالوهاب فراتی، قم: معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی و دفتر نشر معارف، ۱۳۷۶.
۱۶. تحلیلی بر انقلاب اسلامی / منوچهر محمدی، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۰.
۱۷. انقلاب اسلامی در مقایسه (در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه) / منوچهر محمدی، تهران: ناشر نویسنده، ۱۳۷۰.
۱۸. سیر تکوینی انقلاب اسلامی / جواد منصوری، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۵۷ (چاپ دوم)
۱۹. خاطرات سید علی اکبر محمتمشی / سید علی اکبر محمتمشی، تهران: دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
۲۰. تاریخچه جبهه، چرا جبهه ملی تشکیل شد / احمد ملکی، تهران: نشر روزنامه یومیه ستاره، ۱۳۳۲.
۲۱. اقتصاد بدون نفت / انور خامه‌ای، تهران: انتشار، ۱۳۶۹.
۲۲. کژراهه (خاطراتی از تاریخ حزب توده) احسان طبری، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۶.
۲۳. پنجاه سال تبهکاری و خیانت سلسله پهلوی (مجموعه مقالات) / احسان طبری و دیگران، بی جا، بی تا، بی تا.
۲۴. استیضاح حسین مکی، دکتر مظفر بقایی، ابوالحسن حائری زاده از دولت آقای محمد ساعد / حسین مکی، تهران: نشر امیر کبیر، ۱۳۵۷.
۲۵. تاریخ بیست ساله ایران (۸ جلد)، حسین مکی، تهران: نشر ناشر، ۱۳۶۳.
۲۶. دکتر مصدق و نطق‌های تاریخی او / حسین مکی، تهران: نشر جاویدان، ۱۳۵۸.
۲۷. کتاب سیاه (جلد ۶) / حسین مکی، تهران: نشر ناشر، ۱۳۶۲.
۲۸. مدرس قهرمان آزادی / حسین مکی، تهران: نشر ایران، ۱۳۶۶.
۲۹. خاطرات سیاسی / انور خامه‌ای، تهران: نشر گفتار، ۱۳۷۲.
۳۰. از تهران تا کاراکاس / منوچهر فرمانفریان، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۳.
۳۱. خاطرات سیاسی خلیل ملکی، با مقدمه ناصر کاتوزیان، تهران: انتشارات رواق، ۱۳۶۰.
۳۲. مصدق سال‌های مبارزه و مقاومت / غلامرضا نجاتی، تهران: رسا، ۱۳۷۷.
۳۳. تقویم تاریخ خراسان (از مشروطیت تا انقلاب اسلامی) / غلامرضا نجاتی، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
۳۴. مشهد در بامداد نهضت امام خمینی / غلامرضا نجاتی، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
۳۵. جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران / غلامرضا نجاتی، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتم، ۱۳۷۳.
۳۶. تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، از کودتا تا انقلاب / غلامرضا نجاتی، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۱.
۳۷. تهاجم: مروری بر «اسخ به تاریخ» و نقدی بر ترجمه دکتر حسین ابوترابیان / غلامرضا نجاتی، تهران: مؤسسه خدماتی فرهنگی رسا، ۱۳۷۲.
۳۸. گذشته چراغ راه آینده است / جامی، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ ششم، ۱۳۷۷.
۳۹. امینی، علی - خاطرات به کوشش یعقوب توکلی / تهران: سوره مهر، ۱۳۷۷.
۴۰. بازیگران سیاسی عصر رضا شاهی و محمدرضا شاهی / ناصر جمعی، تهران: انتشارات انیشتین، ۱۳۷۳.
۴۱. از سید ضیاء تا بختیار: دولت‌های ایران از اسفند ۱۲۹۹ تا بهمن ۱۳۵۷ / مسعود بهنود، تهران: جاویدان، ۱۳۷۰.
۴۲. روز شمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی / باقر

- عاقلی، تهران: نشر گفتار، ۱۳۷۲.
۴۳. نخست وزیران ایران / باقر عاقلی، تهران: نشر جاویدان، ۱۳۷۰.
۴۴. داستان انقلاب / تألیف و ترجمه محمود طلوعی، تهران: نشر علم، ۱۳۷۳.
۴۵. نخست وزیران ایران، از مشیرالدوله تا بختیار (۱۲۸۵ - ۱۳۵۷) / باقر عاقلی، تهران: جاویدان، ۱۳۷۰.
۴۶. شرح حال رجال سیاسی، نظامی و معاصر ایران (۲ جلد) / باقر عاقلی، تهران: گفتار علم، ۱۳۸۰.
۴۷. خاطرات یک نخست وزیر (احمد متین دفتری) / باقر عاقلی، تهران: علمی، ۱۳۷۰.
۴۸. پس از سقوط؛ سرگذشت خاندان پهلوی در دوران آوارگی / احمد علی مسعود انصاری، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۱.
۴۹. بازی قدرت: جنگ نفت از خاور میانه / محمود طلوعی، تهران: نشر علم، ۱۳۷۱.
۵۰. انقلاب ایران در دو حرکت / مهدی بازرگان، تهران: مهدی بازرگان، ۱۳۶۳.
۵۱. امیدها و ناامیدی‌ها، خاطرات سیاسی دکتر سنجابی / کریم سنجابی، لندن: نشر جبهه ملیون ایران، ۱۳۶۸.
۵۲. اوضاع سیاسی کنونی / ابراهیم یزدی، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۵۷.
۵۳. مشکلات و مسائل اولین سال انقلاب، از زبان مهندس بازرگان / مهندس عبدالعلی بازرگان، دفتر نهضت سوادآموزی، ۱۳۶۱.
۵۴. نویسنده حامد الگار، مترجم: ابوالقاسم سری، ناشر: انتشارات توس سال چاپ: ۱۳۵۶.
۵۵. نویسنده: راشد الغنوشی (رهبر حرکت اسلامی) «النهضة» مترجم: سید هادی خسروشاهی، ناشر: مؤسسه اطلاعات، سال چاپ: ۱۳۷۲.

